

آفتاب پرست خلیج فارس: سیاست خارجی قطر و معمای راهبردی آمریکا

سید محمدرضا موسوی^۱، رامین بخشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱

چکیده:

سیاست خارجی قطر با بهره‌گیری از ابزارهایی چون رسانه‌های بین‌المللی، دیپلماسی فعال، روابط با گروه‌های شبه‌نظامی، سرمایه‌گذاری‌های جهانی و سیاست پوشش ریسک استراتژیک، الگویی منحصر به فرد در میان کشورهای کوچک ارائه داده است. این الگو، از یک سو منجر به افزایش نفوذ قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شده و از سوی دیگر، پیامدهایی متناقض برای منافع ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به همراه داشته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که الگوهای سیاست خارجی قطر چگونه بر منافع استراتژیک ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه تأثیر گذاشته‌اند؟ فرضیه تحقیق آن است که سیاست خارجی نامتقارن و متوازن‌گرایانه قطر (از جمله روابط همزمان با ایالات متحده، سازمان‌های شبه‌نظامی، و رقبا)، با ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای هم‌زمان، منافع ژئوپلیتیکی آمریکا را در منطقه هم تقویت و هم تضعیف کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه قطر با میزبانی بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه و سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنایع آمریکایی به عنوان یک متحد عمل می‌کند، اما همزمان با حمایت از گروه‌هایی چون حماس و طالبان، سیاست‌های آن گاه در تضاد با اولویت‌های ضدتروریستی و امنیتی ایالات متحده قرار می‌گیرد. در نتیجه، روابط واشنگتن-دوحه دارای پیچیدگی و ابهام راهبردی است که مدیریت آن نیازمند بازبینی در رویکردهای دیپلماتیک آمریکا در منطقه است.

واژگان اصلی: سیاست خارجی قطر، ایالات متحده آمریکا، دیپلماسی نامتقارن، شورای همکاری خلیج فارس،

خاورمیانه.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

smr.mousavi@kut.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

قطر، کشوری کوچک از نظر جغرافیایی و جمعیتی، طی دو دهه گذشته به یکی از بازیگران تأثیرگذار در سیاست منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تبدیل شده است. این صعود غیرمنتظره، به‌ویژه در محیط ژئوپلیتیکی رقابتی و بی‌ثبات خاورمیانه، توجه گسترده پژوهشگران و ناظران روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است. برخلاف انتظارات متعارف نظریه‌پردازان واقع‌گرا که قدرت سخت را مبنای نفوذ بین‌المللی می‌دانند، قطر با تکیه بر ابزارهای غیرسستی و نامتقارن توانسته است نفوذی فراتر از ظرفیت‌های مادی خود ایجاد کند.

کودتای بدون خونریزی سال ۱۹۹۵، که به انتقال قدرت به امیر جوان‌تر، حمد بن خلیفه آل ثانی انجامید، آغازی بر دگرگونی سیاست خارجی قطر بود. از آن زمان، قطر با بهره‌گیری از رسانه‌هایی چون شبکه الجزیره، تقویت روابط با بازیگران غیردولتی، سرمایه‌گذاری‌های جهانی، دیپلماسی فعال و میزبانی نهادهای نظامی آمریکا، جایگاه ژئوپلیتیکی خود را ارتقا داده است. این سیاست‌ها، هرچند موجب اعتبار و نفوذ قطر در عرصه بین‌المللی شده‌اند، اما هم‌زمان باعث بروز چالش‌هایی در روابط آن با متحدان منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه ایالات متحده، شده‌اند.

قطر به‌گونه‌ای سیاست پوشش ریسک را در روابط بین‌الملل دنبال می‌کند که به‌طور هم‌زمان با قدرت‌های متضاد مانند ایالات متحده، ایران، گروه‌های اسلام‌گرا و شورای همکاری خلیج فارس روابط نزدیکی برقرار کرده است. این رفتار دوگانه، که گاه از آن به‌عنوان "سیاست آفتاب‌پرستی" یاد می‌شود، سردرگمی‌هایی برای متحدان سستی قطر، به‌ویژه واشنگتن، ایجاد کرده است. در حالی که ایالات متحده به‌شدت به پایگاه هوایی العدید و سرمایه‌گذاری‌های قطری در اقتصاد خود وابسته است، سیاست‌های حمایت‌گرایانه قطر از گروه‌های تندرو، نظیر طالبان، حماس و اخوان‌المسلمین، با اهداف ضدتوروریستی و امنیتی واشنگتن در تضاد است.

این پژوهش به دنبال آن است که با تحلیل ابعاد مختلف سیاست خارجی قطر و ابزارهای مورد استفاده در آن، تأثیر این سیاست‌ها بر منافع استراتژیک ایالات متحده را بررسی کرده و نشان دهد که چگونه یک کشور کوچک می‌تواند با بازی هوشمندانه، هم‌زمان متحد و تهدید برای یک ابرقدرت جهانی باشد.

مبانی نظری

برای تحلیل سیاست خارجی قطر و تأثیر آن بر منافع ایالات متحده آمریکا، این پژوهش از ترکیبی از نظریه‌های سازه‌نگاری، واقع‌گرایی تدافعی و نظریه دولت‌های کوچک بهره می‌برد.

نخست، از منظر سازه‌انگاری، هویت سیاسی و انگاره‌های ایدئولوژیک رهبران قطری، از جمله تمایل به برجسته‌سازی نقش کشورشان در نظم بین‌المللی، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری سیاست‌های خارجی این کشور محسوب می‌شود. رسانه‌هایی نظیر الجزیره نه تنها ابزار دیپلماسی عمومی هستند، بلکه حامل انگاره‌هایی درباره نقش و جایگاه قطر در جهان عرب‌اند. دوم، با اتکا بر واقع‌گرایی تدافعی، سیاست پوشش ریسک قطر را می‌توان واکنشی به وضعیت آنارشیک منطقه و تهدیدهای امنیتی ساختاری دانست. قطر در محیطی ناپایدار بین دو قدرت منطقه‌ای چون ایران و عربستان سعودی، به دنبال تضمین بقا و افزایش امنیت از طریق اتحادهای متضاد است. در نهایت، نظریه دولت‌های کوچک در نظام بین‌الملل توضیح می‌دهد که چگونه کشورهایی با منابع محدود می‌توانند از طریق دیپلماسی خلاق، برندینگ سیاسی و سیاست خارجی انعطاف‌پذیر، تأثیرگذاری فراتر از اندازه خود ایجاد کنند. در این چارچوب، سیاست خارجی قطر نمونه‌ای کلاسیک از تلاش برای بهره‌گیری از فرصت‌ها در شکاف‌های ساختاری نظام بین‌الملل است.

بخش اول: ابزارهای نامتقارن قطر در سیاست‌های خارجی

استراتژی پوشش ریسک در میان بازیگران رقیب

سیاست پوشش ریسک استراتژیک را می‌توان به عنوان "رفتاری تعریف کرد که در آن، یک کشور تحت شرایط عدم قطعیت بالا و مخاطرات زیاد، در پی جبران ریسک‌ها از طریق دنبال کردن گزینه‌های مختلف سیاست خارجی است که برای ایجاد اثرات متقابل خنثی‌کننده طراحی شده‌اند". در این راستا، آنتونی کوردزمن، تحلیلگر نظامی کهنه‌کار آمریکایی، قطر را "کشوری متناقض" توصیف کرد که از استراتژی "توازن دقیق با بسیاری از نیروهای رقیب" استفاده می‌کند. (Kamrava, 2013).

بقای قطر به عنوان یک کشور تا حد زیادی به انعطاف‌پذیری و سازگاری آن با محیط ژئوپلیتیکی خود بستگی دارد. در عرصه جهانی که مملو از بازیگرانی با منافع رقیب متنوع است، قطر نه با برتری تکنولوژیکی، بلکه از طریق استفاده ماهرانه از دیپلماسی و مذاکره، موفق به پیشبرد اهداف خود می‌شود. ایجاد تعادل در منافع و روابط خود در میان بازیگران مختلف از طریق سیاست پوشش ریسک استراتژیک، ابزار اصلی قطر برای دستیابی به سیاست‌های خارجی خود است. (Fromherz, 2012).

به همین دلیل، بخش زیادی از سیاست خارجی قطر در منطقه خاکستری پنهان است و متحدان و شرکا را در مورد موضع قطر در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی سردرگم می‌کند.

قطر به عنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس، از نظر سیاسی با همسایگان عرب سنی خود که متحد ایالات متحده نیز هستند، همسو است. قطر در سیاست پوشش ریسک کلاسیک خود، رابطه مستحکمی نیز با ایران دارد. با این حال، این رابطه تا حد زیادی به بزرگترین میدان گازی جهان که قطر با ایران شریک است، وابسته است. رابطه قطر با ایران "به عنوانی بیانگر تمایل شدید قطر برای یک محیط استراتژیک پایدار و برای یک رابطه کاری با ایران است که آزادی مستمر قطر را برای اشتراک میدان گازی مشترک دو کشور تضمین می‌کند." بنابراین، سیاست قطر در قبال ایران با در نظر گرفتن این واقعیت اقتصادی تدوین شده است.

قطر به خوبی از تمایل ایران برای نفوذ در فضای سیاسی کشورهای عربی آگاه است و سعی در اجتناب از آن دارد. از این رو، قطر حفظ رابطه دوستانه با ایران را، هر چقدر هم که ضعیف باشد، ضروری می‌داند. قطر همچنین از موضع ایالات متحده در مورد فعالیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران آگاه است. (Ulrichsen, 2014)

با این حال، قطر همچنان از ایران به صورت دیپلماتیک حمایت می‌کند. دلیل این امر این است که قطر به عنوان متحد ایالات متحده، تهدیدات زیادی از سوی ایران دریافت کرده است. به عنوان مثال، احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق ایران، زمانی در یک جلسه خصوصی در تهران به قطر هشدار داد که در صورت وقوع جنگ با آمریکا یا اسرائیل به دلیل میزبانی فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) در قطر، هدف اصلی خواهد بود. این واقعیت ژئوپلیتیکی همان چیزی است که قطر امیدوار است از طریق سیاست پوشش ریسک در روابط خود با ایران و متحدانش آن را کاهش دهد.

قطر همچنین از سیاست پوشش ریسک خود برای ایجاد تعادل در روابط خود بین ایران و متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس در بحران سوریه استفاده کرده است. قطر مانند سایر کشورهای خلیج فارس، نقش فعالی در تلاش برای برکناری بشار اسد، متحد اصلی ایران، ایفا می‌کرد. با این حال، قطر همچنان ایران را به عنوان یک شریک مناسب می‌داند و پنجره قابل توجهی را برای ارتباطات و تعاملات دیپلماتیک باز نگه می‌دارد. پیامدهای بحران ۲۰۱۷ شورای همکاری خلیج فارس، اهمیت این پنجره را نشان داد. ایران در پی محاصره تنها مرز زمینی قطر توسط عربستان سعودی، به سرعت هواپیماهای باری حامل غذا، میوه و سبزیجات را به قطر ارسال کرد.

از این رو، جای تعجب نیست که قطر پس از کاهش حضور دیپلماتیک خود در ایران برای چند سال، اکنون روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی به طور کامل برقرار کرده است. قطر

همچنین در عبور از آب‌های تیره تنش‌های ایالات متحده و ایران، مهارت خود را ثابت کرده است، زیرا تلاش می‌کند روابط دوستانه خود را با هر دو کشور حفظ کند.

یکی از مظاهر اصلی سیاست پوشش ریسک قطر، رابطه آن با گروه‌ها و افراد اسلام‌گرا است که مورد تنفر کشورهای پادشاهی خلیج فارس و ایالات متحده هستند. قطر به عنوان پناگاهی برای گروه‌ها و افراد اسلام‌گرا که توسط متحدانش تروریست شناخته می‌شوند، شناخته شده است. گزارش شده است که خالد شیخ محمد، تروریست طراح حملات ۱۱ سپتامبر، توسط یکی از اعضای خانواده سلطنتی قطر و وزیر کشور سابق، در قطر پناه داده شده است (Alfadhel, 2017).

قطر در رویکرد پوشش ریسک خود، میزبان بزرگترین پایگاه هوایی ایالات متحده در منطقه است و حمایت خود را از مبارزه با تروریسم به رهبری ایالات متحده اعلام می‌کند، اما قطر همچنین راهی برای مشروعیت بخشیدن به حضور یک دفتر سیاسی برای طالبان در خاک خود پیدا کرده است (Schanzer, 2015).

تعامل قطر با سازمان‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین، النصره (که با نام جبهه النصره نیز شناخته می‌شود) و حماس، بخشی از یک طرح گسترده‌تر برای مشاهده روند سیاسی منطقه در آینده است. به طور گسترده‌ای گزارش شده است که قطر با داعش و القاعده نیز ارتباط دارد. رابطه قطر با گروه‌های اسلام‌گرا مبتنی بر یک شرط‌بندی سیاسی است که قطر بر اساس این فرض انجام داده است که جنبش‌ها و احزاب اسلام‌گرا به بلوک اصلی قدرت در منطقه تبدیل خواهند شد. قطر همچنین از این سیاست پوشش ریسک کلاسیک برای نوسان استراتژیک بین بازیگرانی که آنها را دارای دست برتر سیاسی و ایدئولوژیک در منطقه می‌داند، استفاده می‌کند. (Keatinge, 2017)

این محاسبه تا حد زیادی حمایت قطر از اخوان المسلمین را در حالی که متحد ایالات متحده و شریک سیاسی بسیاری از کشورهای عربی است که اکثر آنها با اخوان المسلمین مخالف هستند، توضیح می‌دهد. قطر به ظرفیت سازمانی و جذابیت‌های پوپولیستی اخوان المسلمین در منطقه پی برده است، علیرغم این واقعیت که متحدان قطر از اخوان المسلمین بیزارند. قطر پناگاهی برای چهره‌های کلیدی اخوان المسلمین، از جمله یوسف القرضاوی، رهبر معنوی و ایدئولوژیک آن، بوده است. حماس، که توسط ایالات متحده به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شده است، نیز دریافت‌کننده اصلی کمک و مشروعیت سیاسی از قطر در قالب "کمک‌های بشردوستانه" بوده است. (Ross, 2017)

قطر این سازمان‌های اسلام‌گرا را به عنوان کارت‌های وحشی می‌بیند که ممکن است در زمان مناسب مفید واقع شوند. یک مثال عملی، حمایت قطر از دولت محمد مرسی، رئیس جمهور مصر،

که عضو اخوان المسلمین بود، می‌باشد. قطر قصد داشت از موفقیت اخوان المسلمین در مصر به عنوان نقطه شروعی برای گسترش دسترسی استراتژیک خود در پی بهار عربی استفاده کند. ارتباط عمیق قطر با اخوان المسلمین همچنین اعتماد به نفس رهبری قطر را افزایش داده است که می‌تواند تصمیمات سیاسی سازمان‌های اسلام‌گرا را کنترل کند. (Trager, 2017)

اتحاد قطر با اخوان المسلمین و وابستگان آن نیز به عنوان پوششی در برابر سلطه عربستان سعودی، نه فقط از نظر سیاسی، بلکه از نظر ایدئولوژیک نیز عمل می‌کند. قطر ساختار ایدئولوژیک اخوان المسلمین را به ایدئولوژی بسیار سخت‌گیرانه وهابیت سعودی‌ها ترجیح می‌دهد. قطر معتقد است که اخوان المسلمین نوعی مشروعیت مردمی به آن می‌دهد که برای رقابت با قدرت مذهبی مرتبط با عربستان سعودی به عنوان نگهبانان مقدس‌ترین مکان‌های اسلام، مورد نیاز است. قطر همچنین از سیاست پوشش ریسک به عنوان یک سیاست استراتژیک برای آزمایش ستون‌های اصلی ژئوپلیتیکی خاورمیانه استفاده می‌کند. این به قطر کمک می‌کند تا تشخیص دهد کدام بازیگر یا روند، زمینه‌ای محکم و استراتژیک قوی برای قطر برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی خود دارد. (Roberts, 2014)

استفاده از الجزیره به عنوان ابزار سیاسی نفوذ و قدرت

استفاده از رسانه‌ها یکی از قدرتمندترین ابزارهای استراتژیک قطر در تقویت نفوذ و شکل‌دهی به برداشت‌ها و جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. ایجاد شبکه الجزیره، آغازگر دورانی جدید در تعاملات و روابط بین‌المللی قطر بود. الجزیره به دریچه‌ای تبدیل شده است که از طریق آن رهبری قطر می‌تواند به بخش قابل توجهی از جمعیت جهان عرب دسترسی پیدا کند و روایت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در مقیاسی بسیار فراتر از وزن واقعی خود تحت تأثیر قرار دهد.

الجزیره به عنوان ابزاری جدید در دستان امیر حمد بن خلیفه آل ثانی، ابتدا به صورت استراتژیک برای منحرف کردن انتقادات تند رسانه‌های تحت حمایت عربستان سعودی، پس از برکناری پدرش از طریق کودتای بدون خونریزی در سال ۱۹۹۵، مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین، الجزیره به سلاحی قدرتمند در دستان امیر تبدیل شد تا از خود و کشورش در برابر تصویرسازی منفی به عنوان یک طرد شده محافظت کند. (Cockburn, 1995)

قطر از الجزیره به روش‌های متنوعی استفاده می‌کند که متناسب با هدف آن تنظیم شده‌اند. یکی از این روش‌ها، اجرای ترکیبی متمایز از سیاست‌های خارجی متناقض است که برای تولید نتایج مختلف

در راستای منافع استراتژیک کلی آن طراحی شده است. در این راستا، الجزیره به عنوان یک پلتفرم رسانه‌ای، از پیام‌ها، ارزش‌ها و مواضع سیاسی متناقض قطر که برای دستیابی به اهداف خود ضروری می‌داند، پشتیبانی می‌کند. به عنوان مثال، سیاست خارجی قطر با فشار برای دموکراسی از بهار عربی حمایت کرد، در حالی که همزمان از ایدئولوژی‌های افراطی و اسلام‌گرا که معمولاً با دموکراسی مرتبط نیستند، حمایت می‌کرد. قطر به طور فعال از شبکه الجزیره خود برای حمایت از این سیاست متناقض استفاده کرد، با دادن صدا به اعتراضات گسترده‌ای که در کشورهای مختلف عرب در حال وقوع بود، در حالی که همزمان زمان قابل توجهی را به جنبش‌ها و جریان‌های خاص اسلام‌گرا که برای عموم مردم عرب جذاب بودند، اختصاص می‌داد.

اگرچه خود مفهوم حمایت از دموکراسی و ایدئولوژی افراطی، متناقض است، قطر از ویژگی منحصر به فرد بهار عربی برای دنبال کردن این سیاست بهره برد. بهار عربی از این جهت منحصر به فرد بود که معترضان عرب مشتاق دموکراسی و حکومت نمایندگی بودند، با این حال، اکثریت این معترضان از جنبش‌ها و احزاب اسلام‌گرا برای رهبری این اصلاحات دموکراتیک حمایت می‌کردند. این ترکیب عجیب دموکراسی و افراط‌گرایی با هدف استراتژیک قطر برای کسب نفوذ در منطقه، به خوبی هماهنگ بود. در این راستا، قطر با حمایت از جنبش‌ها و احزاب اسلام‌گرا، در پی تغییر چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خاورمیانه بود تا آن را برای اهداف خود از نظر استراتژیک، مناسب‌تر کند.

(Wegner, 2017)

در راستای این دیدگاه متناقض از تبدیل افراط‌گرایی به زندگی مدنی، قطر از الجزیره به عنوان ابزاری برای تغییر چهره افراط‌گرایان به عنوان میانه‌روها و جذاب‌تر کردن آنها برای مردم عرب که از قبل پذیرا بودند، استفاده کرد. یوسف القرضاوی به ویژه در جلب حمایت از اخوان المسلمین و وابستگان آن در کشورهای مختلف از طریق الجزیره نقش مؤثری داشت. او در الجزیره علیه رژیم حسنی مبارک، رئیس جمهور سابق مصر، سخنرانی کرد و از محمد مرسی، رئیس جمهور منتخب اخوان المسلمین، حمایت کلیدی کرد. (Kirkpatrick, 2011)

در یک مصاحبه زنده در الجزیره که بیست و سه دقیقه کامل طول کشید، القرضاوی فتوایی صادر کرد و خواستار قتل معمر قذافی، دیکتاتور فقید لیبی، شد. نکته قابل توجه این بود که این فتوا با سیاست خارجی قطر که حذف قذافی از قدرت بود، مطابقت داشت. جای تعجب نیست که در طول بهار عربی، فتوای قرضاوی عمدتاً از طریق الجزیره پخش می‌شد و هرگز با سیاست‌های قطر در منطقه مغایرت نداشت. (Mekay, 2011)

مصاحبه الجزیره با ابو محمد الجولانی، رئیس شاخه القاعده در سوریه، یعنی جبهه النصره، استفاده قطر از الجزیره را به عنوان «ابزار تلفیق» برای مفهوم متناقض افراط‌گرایی و حکومت خوب، بیشتر تقویت می‌کند. (Moukalled, 2015)

قطر همچنین از الجزیره به عنوان پایه سیاسی برای پیشبرد هدف استراتژیک خود، یعنی نمایش قدرت به دور از جریان اصلی سیاست عرب و قدرت‌های سستی به رهبری عربستان سعودی، استفاده می‌کند. قطر از دیرباز به دلیل وضعیت تاریخی خود در برابر عربستان سعودی ناراضی بوده است و به طور فعال اقداماتی را برای افزایش دسترسی خود از طریق الجزیره انجام می‌دهد. تمایل الجزیره به چپ‌گرایی ژئوپلیتیکی در برابر نظم مستقر، عمیق بوده و منعکس‌کننده موضع قطر در طیف وسیعی از مسائل است.

برای مثال، برای اثبات استقلال سیاسی خود از عربستان سعودی، قطر به الجزیره اجازه داد تا با مقامات اسرائیلی مصاحبه کند، و حتی با اعضای کنست (پارلمان) اسرائیل نیز مصاحبه‌هایی انجام داد که باعث شگفتی جهان عرب شد. قطر با احتیاط سعی می‌کند رابطه نزدیک و کاری خود را با عربستان سعودی حفظ کند. با این وجود، این امر مانع از دنبال کردن سیاست‌هایی توسط قطر، در تلاشی برای اثبات استقلال سیاسی خود، نشده است که گاهی اوقات سعودی‌ها را خشمگین می‌کند. به عنوان مثال، الجزیره در گذشته با مخالفان رژیم عربستان سعودی مصاحبه‌هایی انجام داده است که خشم سلطنت سعودی را برانگیخته است. (Telhami, 2013)

الجزیره مانند آینه‌ای سیاسی است که موضع، احساسات و دیدگاه‌های قطر را در مورد مسائل مختلف منعکس می‌کند. برای مثال، با تماشای الجزیره می‌توانید سلامت کلی روابط قطر و عربستان را درک کنید. در مواقع تنش سیاسی بین دو کشور، الجزیره تمایل به اتخاذ موضع انتقادی نسبت به عربستان سعودی دارد و در مواقع نزدیکی و همکاری، الجزیره به داشتن لحنی دوستانه در مورد مسائل مربوط به عربستان سعودی شناخته شده است.

در نهایت، الجزیره همچنین توسط رهبری قطر به عنوان ابزاری تکمیلی برای تقویت سیاست «پوشش ریسک» استراتژیک دولت قطر استفاده می‌شود. این کار از طریق ماهیت دوگانه الجزیره، با کانال‌های انگلیسی و عربی آن که برای دسترسی به مخاطبان مختلف در نظر گرفته شده است، انجام می‌شود. زبان و پیام‌هایی که الجزیره از طریق کانال‌های مختلف خود منتقل می‌کند بسیار متفاوت است. نسخه انگلیسی الجزیره یک پلتفرم غربی‌گرا است که از طریق آن قطر خود و دیدگاه‌هایش را

به جهان غرب معرفی و ارائه می‌کند.

با این حال، نسخه عربی الجزیره به طور عمدی ساخته شده است تا با روایت‌های پوپولیستی خاص عربی، مانند ضد آمریکایی بودن و یهودستیزی، مطابقت داشته باشد، که به قطر اجازه می‌دهد تا با مردم عرب همسو شود. به عبارت دیگر، قطر با الجزیره انگلیسی غربی است، در حالی که با الجزیره عربی، قطر برای توده‌های عرب است، حتی اگر به معنای همسو شدن با روایت‌هایی باشد که به نفع ایالات متحده نیست. این یک استراتژی کلاسیک از سوی قطر است که مبین استفاده بسیار آشنا از سیاست‌های متناقض در جهت منافع قطر است. (Carlstrom, 2017)

یهود ستیزی الجزیره برای اولین بار در پی رویدادهایی مانند پوشش انتفاضه دوم فلسطین علیه اسرائیل در سال ۲۰۰۰ مورد توجه قرار گرفت. الجزیره عمداً این درگیری را اینگونه قاب‌بندی کرد که فلسطینی‌های کشته شده توسط سربازان اسرائیلی را «شهید» نامید، در حالی که اسرائیلی‌های کشته شده را فقط «مردم» نامید.

در جریان رویارویی سال ۲۰۱۴ بین فلسطین و اسرائیل، الجزیره آشکارا جانبدارانه عمل کرد و از هیچ تلاشی برای اطمینان از پوشش مطلوب برای آرمان فلسطین فروگذار نکرد. به گفته دیوید واینبرگ، محقق حوزه خلیج فارس، این شبکه از دستورالعمل‌های منتشر شده توسط حماس در مورد نحوه گزارش رویدادها در غزه پیروی کرد. (Berman, 2018)

با این حال، خطر ایدئولوژیک واقعی الجزیره در طول مداخله آمریکا در افغانستان و عراق به طور کامل به نمایش گذاشته شد. پوشش الجزیره از این رویدادها بر گرافیک‌های قانع‌کننده متمرکز بود که تأثیر عملیات نظامی آمریکا بر مساجد را نشان می‌داد و حتی با نشان دادن قرآن‌های پاره شده برای تحریک متعصبان مذهبی پیش می‌رفت. تصاویر الجزیره عمداً با هدف تعیین دستور کار، برای ترسیم این رویداد به عنوان حمله به ارزش‌ها و باورهای اسلامی این کشورها بود، که ایالات متحده به سختی سعی در مقابله با آن داشت. (Why Al Jazeera is under threat, 2017)

الجزیره همچنین پوشش گسترده‌ای از اسامه بن لادن ارائه داد، که از این شبکه به عنوان بستری برای رسیدن به جهان عرب و تحریک مردم آن علیه ایالات متحده استفاده می‌کرد. الجزیره مکرراً نوارهایی را از القاعده به طرز کاملاً مشکوکی به دست می‌آورد و آنها را بدون فیلتر پخش می‌کرد. این امر ایالات متحده را به این احتمال سوق داد که القاعده از الجزیره برای ارسال پیام به اعضای خود با استفاده از زبان‌ها و نشانه‌های پنهان استفاده می‌کند. تا به امروز، الجزیره همچنان زمان قابل توجهی را

به افراط‌گرایان اسلام‌گرا و چهره‌های تروریستی به نام پذیرش نظرات مختلف اختصاص می‌دهد. فراتر از اختصاص زمان پخش به افراط‌گرایان، الجزیره به طور نامتجانسی تلاش می‌کند تا سازمان‌ها و افراد تروریستی شناخته شده را با نشان دادن آنها به عنوان میانه‌رو، بازسازی کند. این مورد در مورد ابو محمد الجولانی، رهبر جبهه النصره، یک سازمان تروریستی تعیین‌شده توسط ایالات متحده، با پیوندهایی به القاعده و یک بازیگر فعال در جنگ داخلی سوریه، بود. او برای صحبت در الجزیره دعوت شد و توسط مصاحبه‌گرانش، که گزارش شده بود به آنها گفته شده بود که النصره را با القاعده مرتبط نکنند، مورد احترام قرار گرفت. در این راستا، الجزیره به دنبال مشروعیت بخشیدن به النصره در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بود و ممکن است در نقشه القاعده برای عادی‌سازی حضور خود در سوریه نقش داشته باشد. (Safi, 2019)

سرمایه‌گذاری و برندسازی

قطر یکی از پویاترین سرمایه‌گذاران بین‌المللی در بسیاری از مناطق جهان، به ویژه در اروپا و ایالات متحده آمریکا بوده است. با تولید ناخالص داخلی ۱۵۵٫۸ میلیارد دلار و برابری قدرت خرید ۱۲۹٫۱۲۶ دلار آمریکا، قطر به راحتی ثروتمندترین کشور جهان از نظر سرانه است. نفت و گاز طبیعی موتور اصلی اقتصادی و منبع درآمد دولت قطر هستند که رشد اقتصادی بالا و سطح درآمد سرانه قطر را هدایت می‌کنند. با جمعیتی حدود ۲٫۳ میلیون نفر و جمعیت بومی حدود ۳۰۰٫۰۰۰ نفر، اقتصاد قطر با توجه به صندوق ثروت مستقل قوی خود، می‌تواند از هرگونه تغییر سیاسی یا اقتصادی کوتاه‌مدت یا میان‌مدت در نفت یا گاز جان سالم به در ببرد. (Greggson, 2017)

موقعیت اقتصادی قطر به عنوان صادرکننده پیشرو گاز طبیعی مایع، با افزایش مشتریان آن از هفت در سال ۲۰۱۰ به بیست و یک در سال ۲۰۱۳، و آسیا به عنوان مرکز منافع آن، بیشتر تقویت شده است. ارزش صندوق ثروت مستقل قطر ۳۳۵ میلیارد دلار است که آن را به چهاردهمین صندوق ثروت مستقل بزرگ جهان تبدیل می‌کند. قطر سرمایه‌گذار اصلی در حوزه‌های کلیدی مانند فناوری، املاک و مستغلات، حمل و نقل، بانکداری و کشاورزی است. (Sergie, 2017)

سرمایه‌گذاری بین‌المللی، روش منحصر به فرد قطر برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و افزایش آگاهی برای «برند» خود است. برای قطر، این سرمایه‌گذاری‌ها همچنین راهی اصلی برای مرتبط ساختن خود در محاسبات اقتصادی و سیاسی دولت‌هایی است که برای سرمایه‌گذاری انتخاب

می‌کند. در پرتو این امر، قطر سازمان سرمایه‌گذاری قطر (QIA) را در سال ۲۰۰۵ برای مدیریت درآمدهای بادآورده کشور از فروش گاز طبیعی مایع، که بزرگترین صادرکننده جهان در آن است، ایجاد کرد. (Sergie, 2017)

اهداف سیاست خارجی قطر در سرمایه‌گذاری در بازارهای مختلف بین‌المللی، تصمیمات آن را استراتژیک می‌کند. این به دلیل ماهیت و الگوی سرمایه‌گذاری‌های آن است که سرمایه‌گذاری‌های برجسته‌ای را در کشورهایی که در امور جهانی مسلط هستند، هدف قرار می‌دهد. با توجه به منطق قوی خود برای سرمایه‌گذاری در کشورهای خاص، سرمایه‌گذاری قطر همچنین به عنوان یک نتیجه نهایی دوم عمل می‌کند که جایگاه بین‌المللی قطر را در این کشورها ارتقا می‌دهد. قطر این کار را با سرمایه‌گذاری در کشورهایی انجام می‌دهد که از نظر نظامی و سیاسی دارای ارزش استراتژیک هستند، با این هدف که این کشورها چنین دارایی‌های ارزشمندی را برای پوشش کاستی‌های خود در آن زمینه‌ها به کار گیرند. (Kamrava, 2013)

همانطور که قطر توانست فضای بین‌المللی را برای ایجاد روابط نزدیک‌تر و استراتژیک با ایالات متحده درک کند که منجر به پایگاه العدید شد، قطر بحران مالی جهانی را نیز به عنوان یک فرصت استراتژیک برای تقویت روابط اقتصادی در اروپا برای منافع استراتژیک دید. نفوذ قطر در مکان‌های استراتژیک در اروپا، به ویژه در کشورهایی مانند بریتانیا و فرانسه، قطر را به یک ذینفع اصلی در ورودی اقتصادی این کشورها تبدیل می‌کند. قطر قصد دارد از این اهرم فشار در مواقع نیاز استراتژیک استفاده کند. به عنوان مثال، اگر قطر با تهاجمی مشابه کویت مواجه شود، کشورهایی که از سرمایه‌گذاری‌های قطر بهره‌مند هستند، به سرعت برای دفاع از قطر واکنش نشان خواهند داد.

سرمایه‌گذاری قطر در لندن گسترده است. سرمایه‌گذاری قطر در بریتانیا حدود ۳۰,۶ میلیارد پوند تخمین زده می‌شود. (Talbot, 2016)

قطر همچنین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در سایر نقاط اروپا دارد. قطر ۱۷ درصد سهام در فولکس واگن، یک شرکت خودروسازی مستقر در آلمان به ارزش ۱۱ میلیارد دلار، ۲,۱۳ درصد سهام در شرکت نفتی رویال داچ شل و بسیاری دیگر دارد. در فرانسه، قطر بیش از ۱۵ میلیارد دلار در پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده است و «رفتار سرمایه‌گذار ترجیحی» را برای خود به ارمغان آورده است که مؤسسات سرمایه‌گذاری متعلق به قطر را از مالیات بر عایدی سرمایه بر املاک در فرانسه معاف می‌کند. قطر همچنین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در یونان و

ایتالیا دارد. قطر ۹,۷۵ درصد سرمایه‌گذاری در شرکت روسنت روسیه به ارزش ۶,۸ میلیارد دلار دارد. (Talbot, 2016)

طبق گزارش وزارت امور خارجه ایالات متحده، در سال‌های اخیر قطر از طریق صندوق ثروت مستقل خود شروع به سرمایه‌گذاری سنگین در ایالات متحده کرده است و دفتری در نیویورک برای هماهنگی سرمایه‌گذاری‌های خود افتتاح کرده است. سرمایه‌گذاری قطر در ایالات متحده در یک مسیر صعودی بوده است، زیرا به دنبال اصلاح روابط خود با دولت ایالات متحده است که رو به وخامت بوده است. این به دلیل فعالیت‌ها و سیاست‌های بحث‌برانگیز قطر است که همسایگان آن و منافع ایالات متحده در منطقه را تضعیف می‌کند. از آنجایی که اختلاف دیپلماتیک قطر با همسایگان خلیج فارس، امنیت آن را تهدید می‌کند، قطر به سرمایه‌گذاری در ایالات متحده اولویت بیشتری داده است.

(U.S. State Department Bureau of Economic and Business Affairs, 2017)

قطر به طور سنتی سرمایه‌گذاری خود در پایگاه هوایی العدید ایالات متحده را به عنوان پلی استراتژیک و امتداد امنیت ایالات متحده می‌دانسته است. با این حال، موضع انتقادی ایالات متحده در مورد حمایت قطر از افراط‌گرایان، این رابطه دوجانبه با ایالات متحده را تیره کرده است. این امر قطر را بر آن داشته است تا به عنوان راهی برای بهبود روابط خود با ایالات متحده، به طور مستقیم در سرزمین اصلی ایالات متحده سرمایه‌گذاری بیشتری کند. این اقدام اقتصادی قطر همزمان با «سیاست اول آمریکا» دولت دونالد ترامپ است که برای قطر یک امتیاز مثبت بوده است.

در همین راستا، شیخ عبدالله بن محمد بن سعود آل ثانی، مدیر عامل سازمان سرمایه‌گذاری قطر، از طرح قطر برای سرمایه‌گذاری بخش باقی‌مانده از سرمایه ۴۵ میلیارد دلاری خود در ایالات متحده در زیرساخت‌های ایالات متحده خبر داد. این علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه قطر در بازارهای ایالات متحده است که طیف گسترده‌ای از بخش‌ها را شامل می‌شود. قطر بیش از ۱۰ درصد سهام در تیفانی اند کو، جواهرساز لوکس مستقر در نیویورک، ۴۴ درصد سهام در پروژه بازسازی ۸,۶ میلیارد دلاری در نیویورک معروف به منهتن وست و ۹,۹ درصد سهام در ساختمان نمادین امپایر استیت دارد. همچنین سهام عمده‌ای در پروژه سیتی سنتر در واشنگتن دی سی دارد که به عنوان بزرگترین پروژه واشنگتن در دو دهه اخیر توصیف شده است. (Cornwell, 2017)

قطر یکی از واردکنندگان اصلی تسلیحات و جنگ‌افزارهای آمریکایی بوده و هزینه‌های دفاعی خود را از شرکت‌های دفاعی ایالات متحده افزایش داده است. در سال ۲۰۱۴، قطر بزرگترین مشتری ایالات متحده برای فروش نظامی خارجی بود و بیش از ۱۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی پیشرفته

(هلیکوپترهای آپاچی، سیستم دفاع موشکی پاتریوت و موشک‌های جاوین) خریداری کرد. قطر همچنین هشت فروند C-17 و چهار فروند C-130J را از طریق فروش تجاری مستقیم خریداری کرد. (U.S. Department of State, 2017)

در سال ۲۰۱۷، قطر قراردادی ۱۲ میلیارد دلاری با ایالات متحده برای خرید جت‌های جنگنده F-15 امضا کرد، قراردادی که یک مقام قطری آن را «اثباتی بر این است که نهادهای آمریکایی با ایالات متحده هستند» عنوان کرد. قطر سرمایه‌گذاری خود را نوعی «سرمایه‌گذاری رابطه‌ای» برای ایجاد فضایی مثبت برای روابط سیاسی عمیق‌تر می‌داند. قطر قصد دارد این روابط را با کشورهایی که می‌توان آنها را در مواقع نیاز به وزن سیاسی‌شان «دوست» نامید، پرورش دهد، همانطور که در بحران شورای همکاری خلیج فارس انجام داده است. (BBC News, 2017)

در این راستا، جای تعجب نیست که قطر سرمایه‌گذاری‌های خود را در ایالات متحده به عنوان بخشی از یک حمله جذاب اقتصادی برای جلب اعتماد ایالات متحده، به ویژه پس از بحران شورای همکاری خلیج فارس، افزایش داده است. با توجه به اظهارات اخیر سیاست‌گذاران آمریکایی، از همه نشانه‌ها، اقدام اقتصادی قطر همراه با لابی‌گری سیاسی، نتایج مثبتی به همراه داشته است. (Harris, 2018)

در داخل، قطر توانسته است خود را از یک بیابان گمنام به سرزمینی از ساختمان‌های نفیس و عجیب و غریب، با لمس‌های جادویی درخشش هنری و هنر، پوشیده از تجمل، مناسب برای هر سلطنتی روی زمین، تبدیل کند. قطر دائماً با روندهای فعلی و آینده در توسعه املاک و مستغلات، فناوری، حمل و نقل، ورزش، فرهنگ و آموزش همگام است تا ارتباط قطر را به عنوان یک مقصد جهانی برای مسافران و گردشگران تضمین کند. این سرمایه‌گذاری‌ها جایگاه بین‌المللی آن را افزایش داده و قطر را به یکی از پربازدیدترین کشورهای جهان امروز تبدیل کرده است.

سرمایه‌گذاری‌های قطر در پروژه‌های بسیار چشمگیر و پر زرق و برق در سرزمین خود نیز به منحرف کردن توجه از سیاست‌های بحث‌برانگیز آن که این کشور کوچک را در چشم‌اندازی بد قرار می‌دهد، کمک می‌کند. این می‌تواند دلیل علاقه عمیق قطر به میزبانی رویدادهای ورزشی محبوب در تنیس، گلف و دو و میدانی باشد. میزبانی جام جهانی فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) ۲۰۲۲، همچنان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن در تلاش‌های برندسازی است. دلیل آن این است که جام جهانی پربیننده‌ترین رویداد ورزشی در جهان است. (Palmer, 2018)

شیخه موزا بنت ناصر، همسر حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر سابق قطر، نمایشگر مدرنیته و چهره‌ای

بسیار چشمگیر در پروژه تغییر برند قطر است. او جو بسیار مجللی از قدرت نرم و نفوذ قطر را با خود به همراه دارد که از طریق آن قطر جذابیت خود را برای جهان غرب با ویژگی‌های عربی به نمایش می‌گذارد. او به عنوان رئیس بنیاد قطر برای آموزش، علوم و توسعه اجتماعی، مغز متفکر بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های قطر در آموزش، کمک‌های خارجی و سرمایه‌گذاری‌ها است. (Anthony, 2014).

میانجیگری و دیپلماسی فعال

انبار میانجیگری جزء خاصی از زرادخانه استراتژیک قطر است که به طور نامتقارن در افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آن استفاده می‌شود. ماده ۷ قانون اساسی قطر بیان می‌کند که سیاست خارجی آن «بر اساس اصل تقویت صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای برای تشویق حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی است». این با هدف کلی قطر برای «ایجاد تصویری» برای خود، تصویری از یک میانجی معتبر و یک صلح‌ساز، همسو است. اگرچه ماجراجویی‌های قطر از زمان بهار عربی، به وجهه آن به عنوان یک میانجی معتبر لطمه زده است، بعید است که قطر میانجیگری را به عنوان یک ابزار سیاست خارجی کنار گذاشته باشد. (Barakat, 2016)

قطر آرزو دارد در میان مناقشات و اختلافات، به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی با نیت‌های خیرخواهانه، که قادر به ارائه تلاش‌های میانجیگری معتبر است، دیده شود. برای قطر، میانجیگری و دیپلماسی فعال، دروازه‌ای برای نفوذ و ثبات است، زیرا کشورهای میانجی معمولاً از سوی جامعه بین‌المللی مورد احترام قرار می‌گیرند. (Fromherz, 2012)

قطر از طریق دیپلماسی و میانجیگری در چندین مناقشه فعال بوده است. این امر جایگاه و احترام قطر را در جامعه بین‌المللی به عنوان بازیگری برای مذاکرات و حل و فصل اختلافات افزایش داده است. به عنوان مثال، ایالات متحده به دلیل ارتباط گسترده قطر با طیف وسیعی از بازیگران مهم، مانند جنبش‌ها و رهبران افراطی، در مورد مسائل خاص با قطر «مشورت» می‌کند.

قطر میانجیگری را بخش بسیار پیچیده‌ای از سیاست خارجی خود می‌داند که برای زدودن سایه بزرگی که توسط همسایگان بزرگتر مانند عربستان سعودی و مصر بر سر آن افکنده شده است، در نظر گرفته است. در این راستا، جای تعجب نیست که عربستان سعودی و مصر به دلیل برخی از ابتکارات دیپلماتیک قطر، از آن ناراضی بوده‌اند. به عنوان مثال، بر اساس تلگراف‌های دیپلماتیک فاش شده ایالات متحده، یک دیپلمات بلندپایه مصری در دوحه در سال ۲۰۱۰ ادعا کرد: «صادقانه

بگویم، مصر از میانجیگری قطر [در دارفور] فقط به این دلیل که کشوری در حیط خلوت مصر را درگیر می‌کند، خشمگین است.» این اظهارات نشانه روشنی است که نقش رهبری قطر در خاورمیانه در حال ریشه دواندن است.

قطر، پیش از بهار عربی، به طور دقیق تصویر و شهرت یک طرف بی‌طرف در اختلافات را پرورانده بود. این عنصر بی‌طرفی، تقویت‌کننده بزرگی برای اعتبار قطر در تلاش‌های میانجیگری آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود. برخلاف قدرت‌های بزرگ در صحنه جهانی یا قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، طرف‌های متخاصم همیشه از موضع بی‌طرفانه قطر در سیاست بین‌الملل استقبال می‌کردند.

یک مثال کلاسیک، تلاش میانجیگری قطر در بحران لبنان در سال ۲۰۰۸ است که همچنان یکی از بزرگترین دستاوردهای دیپلماتیک قطر است. روند میانجیگری تحت نظارت قطر موفقیت‌آمیز بود، زیرا طرف‌های درگیر به اعتبار قطر اعتماد داشتند، برخلاف سایر کشورهایی که پیشنهاد مداخله در بحران را داده بودند. نتیجه این تلاش منجر به «توافق دوحه» شد. کارشناسان سیاسی خاطرنشان کرده‌اند که جایگاه قطر با موفقیت در جایی که کشورهای قدرتمند شکست خوردند، بیشتر ارتقا یافت. توافق دوحه به عنوان نشان و نمادی از مهارت دیپلماتیک و حسن همجواری قطر است، همان چیزی که قطر قصد دارد در روابط بین‌الملل خود به تصویر بکشد. (Worth, 2008)

میانجیگری قطر ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از میانجیگری سایر کشورهای کوچک که در تلاش‌های دیپلماتیک برای افزایش جایگاه بین‌المللی خود مانند نروژ و سوئیس شرکت می‌کنند، متمایز می‌کند. یکی از آنها اشتیاق قطر برای دیده شدن، جلب توجه و جذابیتی است که با اختلافات منطقه‌ای یا بین‌المللی که از نزدیک رصد می‌شوند و مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند، همراه است. یک میانجی آشنا با ابتکار دیپلماتیک قطر اظهار داشت که قطر «اغلب به جای نتایج، بر «اخبار» میانجیگری تأکید می‌کند». قطر از حسن نیتی که از کمک به جامعه بین‌المللی که با چالش‌های مختلفی روبرو است، حاصل می‌شود، قدردانی می‌کند، که به عنوان محرکی برای رهبری آن برای انجام کارهای بیشتر عمل می‌کند. (Dorsey, 2017)

قطر به طور کامل درک می‌کند که هر چه موفقیت‌های میانجیگری بیشتری را ثبت کند، قطر بیشتر می‌تواند اعتبار و جایگاه خود را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد. از سال ۲۰۰۵، با توجه به مشارکت گسترده قطر در میانجیگری منطقه‌ای در کشورهایی مانند سودان، لبنان، یمن، عراق و غیره، تحلیلگران

به این کشور لقب «میانچی بدون توقف» داده‌اند. با این حال، نقش قطر در بهار عربی و سایر اختلافات خاورمیانه به اعتبار آن به عنوان یک میانچی بی‌طرف آسیب رسانده است. قطر بر اساس این فرض که آنها پایه قدرت سیاسی در خاورمیانه خواهند بود، تصمیم گرفت در کنار جنبش‌های اسلام‌گرا قرار بگیرد. در درازمدت، این امر نادرست ثابت شده است و قطر به دلیل طرف داری از جنبش‌های اسلام‌گرا، بخش زیادی از اعتباری را که زمانی در میانجیگری بین طرف‌های متخاصم از آن برخوردار بود، از دست داده است. (Worth, 2008)

در واقع، قطر به دلیل حمایت از برخی گروه‌ها در تلاش برای میانجیگری، با انتقادات شدیدی مواجه شده است. به عنوان مثال، میزبانی قطر از رهبران حماس و کمک مالی آن به نوار غزه، به دلیل حمایت از یک سازمان شبه نظامی، انتقاد ایالات متحده را به دنبال داشته است. اگرچه قطر می‌گوید که فقط از نیازهای بشردوستانه مردم فلسطین حمایت می‌کند، با این وجود، مواضع خشونت‌آمیز حماس در طیف وسیعی از مسائل، برای هرگونه حمایتی بسیار افراطی تلقی می‌شود. علیرغم این واقعیت که دسترسی پشت پرده و میانجیگری قطر در ابتدا نقاط قوت منحصر به فرد آن بود، ماجراجویی‌های آن باعث نارضایتی گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی شده است و قطر را قربانی خود کرده است. (Katzman, 2017)

جنبه مهم دیگر تلاش‌های میانجیگری قطر، مبالغ هنگفتی است که دولت قطر گهگاه به سازمان‌های تروریستی به عنوان باج برای گروگان‌ها می‌پردازد. گزارش شده است که قطر برای آزادی اعضای خانواده سلطنتی قطر، تا یک میلیارد دلار به وابسته سابق القاعده در سوریه و مقامات امنیتی ایران پرداخت کرده است. قطر همچنین با پرداخت ده‌ها میلیون دلار باج به نمایندگی از دولت‌هایشان، آزادی شهروندان سایر کشورها را از سازمان‌های تروریستی تسهیل کرده است. (Keatinge, 2017)

دیوید اندرو واینبرگ در شهادت کنگره در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، اظهار داشت که «اشتیاق بی‌ملاحظه» قطر برای پرداخت باج در مذاکرات خود، بخشی از «تلاش‌های گسترده‌تر دوحه برای تبدیل پول و ارتباطات افراطی به قدرت سیاسی است، حتی اگر این کار به ناچار منجر به تقویت افراط‌گرایان خشونت‌طلبی شود که در خدمت القاعده عمل می‌کنند.» (Weinberg, 2015)

اتحادهای دفاعی و امنیتی استراتژیک

ظرفیت قطر برای ایجاد نیروی نظامی کافی برای برآوردن نیازهای امنیتی استراتژیک خود عملاً وجود ندارد. همانطور که در بالا ذکر شد، قطر یکی از کوچکترین جمعیت‌ها را در خلیج فارس دارد.

برخلاف بسیاری از همتایان منطقه‌ای خود مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت، قطر نیروی نظامی معتبری ندارد. این واقعیت دهه‌هاست که در محاسبات امنیتی رهبران قطر وجود داشته است. به همین دلیل، قطر به طور فعال به دنبال اتحادها و مشارکت‌هایی است که نوید تضمین‌های امنیتی سیاسی و سرزمینی را از دشمنان می‌دهد. (Kamrava, 2013)

روابط بین‌الملل قطر با قدرت‌های خارجی مسلط، استراتژیک و عمدی است. برای قطر، روابط بین‌الملل فقط روابط سیاسی نیست، بلکه ابزارهای چندوجهی برای دستیابی به منافع ملی، به ویژه امنیت آن است. این رویکرد به روابط بین‌الملل برای منافع امنیتی، دهه‌هاست که بخش محوری تعاملات بین‌المللی قطر با قدرت‌های خارجی بوده است. در واقع، امنیت دلیل استراتژیک غالب تعامل قطر و امپراتوری بریتانیا قبل از استقلال آن در سال ۱۹۷۱ بود. امپراتوری بریتانیا از قطر در برابر سیاست‌های خارجی توسعه‌طلبانه و مسلط بازیگرانی مانند عربستان سعودی و بحرین محافظت می‌کرد.

ظهور قطر به عنوان یک بازیگر مؤثر در سیاست منطقه‌ای و جهانی، به ویژه نیاز آن به امنیت را افزایش داده است. به ویژه از زمان حکومت شیخ حمد بن آل ثانی، که چشم‌انداز بزرگ او برای قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، این کشور کوچک را به شهرت رساند. قطر سیاست‌های خارجی را دنبال کرده است که به طور سستی خارج از حوزه «قدرت‌های کوچک» بوده است. در یک محیط بین‌المللی که انتظار می‌رود کشورهای کوچک در حوزه نفوذ قدرت‌های بزرگتر قرار بگیرند. قطر به طور فعال به دنبال تعریف و ایجاد دایره عملیات خود بوده است. چنین اقداماتی واکنش‌های منفی همسایگان قطر را به دنبال داشته است که اقدامات قطر را تهدیدی برای جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی خود می‌دانند. در این راستا، مشارکت‌های استراتژیک قطر سپری است که به وسیله آن قطر می‌تواند به طور نامتقارن از خود در برابر تهدیداتی که از نقش بزرگ آن ناشی می‌شود، محافظت کند.

جنگ اول خلیج فارس، آسیب‌پذیری کشورهای کوچکی مانند قطر را در منطقه خلیج فارس، بدون سازوکار و وضعیت دفاعی قابل توجه، برای بازدارندگی یا وارد کردن خسارت یا هزینه قابل توجه به دشمن مصمم، آشکار کرد. تهاجم عراق به کویت، نیاز قطر به یک متحد امنیتی را برای بازدارندگی دشمنان بالقوه، به ویژه پس از نبود چتر امنیتی بریتانیا که زمانی از آن برخوردار بود، برجسته کرد. در همین راستا، قطر به دنبال رابطه‌ای نزدیک با ایالات متحده بوده و آن را حفظ کرده است تا امنیت خود را در سطح استراتژیک افزایش دهد. پس از پایان جنگ خلیج فارس، قطر و

ایالات متحده در ژوئن ۱۹۹۲ توافقنامه همکاری دفاعی را امضا کردند که به ایالات متحده اجازه دسترسی به پایگاه‌ها، استقرار تجهیزات ایالات متحده و رزمایش‌های نظامی مشترک ایالات متحده را می‌داد. (Looney, 2014)

این رابطه بین ایالات متحده و قطر، گواه توانایی قطر در تلافی با منافع استراتژیک قدرت‌های مسلط است. قطر در درک روندهای بین‌المللی مهارت دارد و مانند امواج دریا آنها را به نفع خود هدایت می‌کند. اگرچه روابط ایالات متحده و قطر پس از امضای توافقنامه اتحاد دفاعی ۱۹۹۰ ریشه عمیقی پیدا کرد، تمایل قطر به همکاری با ایالات متحده در «جنگ علیه تروریسم» این رابطه را تعمیق بخشید. قطر «موج ضد تروریسم» بین‌المللی را با علاقه زیادی دنبال کرد. قطر نه تنها ایالات متحده را جذب خود کرد، بلکه پایگاه العدید ایالات متحده را در خاک خود با هزینه یک میلیارد دلار تأمین مالی کرد و آن را به بزرگترین پایگاه ایالات متحده در منطقه تبدیل کرد. (Blanchard, 2014). ارتقاء مداوم پایگاه با تأیید و مشارکت قابل توجه قطر، برای درک نقشی که این پایگاه در سیاست امنیت ملی قطر ایفا می‌کند، حیاتی است. (Lendon, 2017)

قطر این پایگاه را لنگرگاه امنیت خود می‌داند. در محاسبات استراتژیک آن، این پایگاه چیزی بیش از یک پایگاه هوایی برای قطر است. این پایگاه بازدارنده‌ای در برابر دشمنان و مهاجمان بالقوه است. تمایل قطر به حضور نیروهای آمریکایی و متحدانش در خاک خود، عامل اصلی «استراتژیک» بودن کشور کوچک قطر برای ارتش ایالات متحده است. قطر برای اطمینان از اینکه حضور ایالات متحده در خاک آن تا حد امکان مستحکم است، به تلاش‌های زیادی دست زده و همچنان به این کار ادامه می‌دهد. حتی تا جایی که اجازه فروش الکل در پایگاه‌های نظامی ایالات متحده را می‌دهد، که برای کشوری که خود را پیرو نسخه وهابی اسلام می‌داند، غیرمعمول است. در واقع، در سال ۱۹۹۹، شیخ حمد، امیر سابق قطر، به مقامات آمریکایی گفته بود که دوست دارد تا ۱۰۰۰۰ سرباز آمریکایی به طور دائم در العدید مستقر شوند. (Ettelbrick, 2018)

قطر همچنین از طریق یک توافقنامه مشارکت دفاعی که در سال ۲۰۱۶ امضا شد، با ترکیه مشارکت دفاعی دارد. این توافقنامه دفاعی استقرار یک پایگاه نظامی در قطر توسط ترکیه و رزمایش‌های نظامی مشترک با هدف بهبود ارتش قطر و تقویت همکاری نظامی را فراهم می‌کند. فرانسه و بریتانیا نیز حضور نظامی قابل توجهی در قطر دارند. قطر علاوه بر میزبانی از نیروهای خارجی در خاک خود، خریدار اصلی تجهیزات و توانایی‌های دفاعی و نظامی است که قطر از آنها

برای جلب حمایت کشورهای که به دنبال مشارکت با آنهاست، استفاده می‌کند. (Turkey: "Qatar Military Base for the Security of Gulf," 2017)

در پرتو بحران شورای همکاری خلیج فارس، وزیر امور خارجه قطر روشن کرده است که در صورت مواجهه قطر با تجاوز نظامی، «دوستان کافی برای متوقف کردن آنها دارد...». این دوستان بدون شک، متحدان خوب پرورش یافته و جذب شده قطر هستند که همچنان به نحوی از منافع استراتژیک قطر بهره‌مند می‌شوند. به محض شروع بحران شورای همکاری خلیج فارس در بجنه انزوای دیپلماتیک و اقتصادی بی‌سابقه قطر، ترکیه بلافاصله مواد غذایی را به قطر ارسال کرد و قانونی را برای افزایش حضور نظامی خود در آنجا به سرعت تصویب کرد. حتی ایران که قطر موضع سختی در قبال آن اتخاذ نمی‌کرد، با ارسال غذا و میوه به قطر کمک کرد. وزارت دفاع ایالات متحده نیز علیرغم پیام‌های متناقض فرمانده کل قوا، پیام حسن نیتی را به عنوان نشانه‌ای از همبستگی به قطر ارسال کرد. این نشان می‌دهد که چگونه قطر می‌تواند به طور استراتژیک با قدرت‌های مسلط تلاقی کند، به گونه‌ای که نادیده گرفتن ارزش قطر برای این کشورها دشوار باشد. (Al-Haj, 2017)

بخش دوم: پیامدهای سیاست خارجی قطر بر منافع ایالات متحده در خاورمیانه

سیاست پوشش ریسک استراتژیک قطر از جنبش‌های اسلام‌گرایی حمایت می‌کند که خاورمیانه و متحدان ایالات متحده در منطقه را بی‌ثبات می‌کند.

قطر تا حدودی مسئول اکثریت قریب به اتفاق انحطاط منطقه‌ای است که از زمان انقلاب‌های عربی در خاورمیانه رخ داده است. در محاسبات قطر، سازمان‌های اسلام‌گرا به بازیگران اصلی در ساختارهای دولتی خاورمیانه تبدیل می‌شدند. انتخاب احزاب اسلام‌گرا به قدرت از طریق دموکراتیک، این فرض را بیشتر تقویت کرد. (Haqqani, 2013)

برای اطمینان از اینکه فضای ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه برای قطر مطلوب خواهد بود، قطر شروع به حمایت از جنبش‌های اسلام‌گرا به طور کلی و اخوان المسلمین به طور خاص کرد. همانطور که در بخش پوشش ریسک استراتژیک اشاره شد، سیاست خارجی قطر در این زمان، شرط‌بندی روی پتانسیل جنبش‌های اسلام‌گرا برای تغییر شکل ساختار قدرت منطقه بود. در این راستا، قطر جنبش‌های اسلام‌گرا را به عنوان متحدان بالقوه می‌دانست و به دنبال اتحاد با آنها بود.

با این حال، اقدامات قطر برای منافع ایالات متحده در جهت ثبات سیاسی در منطقه امروز مضر بوده است. بسیاری از گروه‌های اسلام‌گرایی که قطر به دلیل محبوبیت آنها در بین شهروندان روی

آنها قمار کرد، به نیروهای بی‌ثبات‌کننده در منطقه تبدیل شده‌اند. در سوریه، قطر به عنوان متحد ایالات متحده، همراه با سایر متحدان خلیج فارس مانند عربستان سعودی، از گروه‌های میانه‌رو تحت حمایت ایالات متحده حمایت می‌کند. با این حال، گزارش شده است که قطر همزمان در جنگ داخلی جاری از گروه‌های خارج از گروه‌های تعیین‌شده توسط ایالات متحده حمایت می‌کند. این منجر به یک رویکرد بسیار نامنظم به بحران سوریه شده است. گزارش شده است که بسیاری از این گروه‌ها ارتباط قوی با القاعده و دولت اسلامی داعش دارند. (Perry & Al Khaledi, 2017)

در لیبی نیز، حمایت‌های بی‌برنامه قطر از شورشیان، صرف‌نظر از ماهیت یا وابستگی این گروه‌ها به تروریسم و افراط‌گرایی، به تضعیف ثبات سیاسی لیبی کمک کرده است. برای مثال، قطر از فرماندهان شبه‌نظامیان اسلام‌گرا، مانند عبدالحکیم بلحاج، که زمانی رهبر گروه مبارزان اسلامی لیبی، یک گروه وابسته به القاعده تحریم‌شده توسط ایالات متحده و سازمان ملل متحد بود، حمایت کرد. (Schanzer, 2017)

علاوه بر این، در حالی که ایالات متحده و شرکای آن تلاش می‌کردند شورای ملی انتقالی (TNC) را به عنوان دولت مشروع لیبی معرفی کنند، قطر مکرراً و به شکلی غیرمفید برای ایفای نقش برجسته‌تر گروه‌های مخالف جایگزین که به قطر وابسته بودند، فشار می‌آورد. بسیاری از این گروه‌ها، طبق گزارش‌ها، افراطی بودند و قصد داشتند با استفاده از لیبی به عنوان پایگاه، دستور کار تروریستی خود را پیش ببرند. این امر اجرای برنامه ایالات متحده برای دولت‌سازی در لیبی پس از سرنگونی قذافی توسط ایالات متحده و ناتو، که کشور را در هرج و مرج رها کرد، بسیار دشوار ساخت. دلیل این دشواری این بود که بسیاری از این افراطیون منابع لازم برای مبارزه بر سر قدرت با شورای ملی انتقالی را به دست آوردند و هرج و مرج و بی‌قانونی در کشور ایجاد کردند. (Shapiro, 2013)

حمایت قطر از اخوان المسلمین، به‌ویژه ثبات سیاسی متحدان مهم ایالات متحده در منطقه، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی را تهدید می‌کند. اگرچه اقدامات اخوان المسلمین از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما این گروه حملات علیه نیروهای آمریکایی و منافع آن‌ها را توجیه می‌کند، اصل صلح با اسرائیل را رد می‌کند و عدم تحمل مذهبی را ترویج می‌دهد. اگر اخوان المسلمین به قدرت مسلط در خاورمیانه تبدیل شود، توانایی آمریکا برای حفظ حضور قوی در منطقه می‌تواند تضعیف شود. با این حال، متحدانی مانند کویت و اردن به اعضای اخوان المسلمین اجازه می‌دهند در دولت‌هایشان مشارکت داشته باشند. با این وجود، حمایت قطر از اخوان المسلمین با حمایت کویت و اردن متفاوت است. قطر قصد دارد اسلام سیاسی را به عنوان نظم منطقه‌ای

خاورمیانه ترویج دهد، که می‌تواند ثبات سیاسی متحدانی مانند عربستان سعودی و بحرین را به چالش بکشد. (Ross, 2017)

پیام الجزیره، نفوذ ایالات متحده در منطقه را خشی کرده و متحدان آمریکا در خاورمیانه را تهدید می‌کند

همانطور که در بالا ذکر شد، شبکه خبری الجزیره قطر نیرویی بسیار پویا و قدرتمند در تعیین دستور کار بخش بزرگی از جمعیت خاورمیانه بوده است. الجزیره عربی، محبوب‌ترین و پربیننده‌ترین شبکه در خاورمیانه است و در شکل‌دهی به نتایج منطقه‌ای بسیار مؤثر است. در شرایط «عادی»، به عنوان متحد ایالات متحده، دسترسی چشمگیر قطر از طریق الجزیره می‌تواند به دستاوردهای خوبی برای ایالات متحده در تلاش برای جلب قلوب و اذهان جهان عرب تبدیل شود. با این حال، این اتفاق نیفتاده است. (Why Al Jazeera is under threat, " 2017)

همانطور که در بالا ذکر شد، الجزیره ابزاری در دست دولت قطر است و فعالیت‌های آن به عنوان یک قدرت رسانه‌ای، در بسیاری از موارد منافع ایالات متحده را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده است. الجزیره اغلب منافع ژئوپلیتیکی ایالات متحده را مختل کرده و دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی کلیدی را برای ایالات متحده دشوار ساخته است. به عنوان مثال، به دلیل گزارش‌های جنجالی الجزیره در طول انتفاضه دوم، مصر حفظ اعتدال را به طور فزاینده‌ای دشوار یافت. در نهایت، حسنی مبارک، سفیر مصر در اسرائیل را فراخواند و اظهار داشت: «من مجبور بودم کاری انجام دهم». (Berman, 2018)

اقدامات الجزیره همچنین به دلیل گزارش‌های انتقادی آن از متحدان ایالات متحده، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با وجود ممنوعیت چنین گزارش‌هایی برای دولت خود، که با بحران شورای همکاری خلیج فارس برجسته شده است، باعث ایجاد آشفتگی ژئوپلیتیکی در این شورا شده است. این فعالیت‌های الجزیره، فشار بیشتری بر شورای همکاری خلیج فارس وارد کرده و باعث شکاف در یک بلوک سیاسی مهم شده است. در این راستا، وزارت امور خارجه در «گزارش کشوری در مورد تروریسم» در سال ۲۰۱۷ خاطرنشان کرد که «اختلاف خلیج فارس که در ماه ژوئن آغاز شد، اکثر تعاملات در سراسر شورای همکاری خلیج فارس را متوقف کرد». این گسست در روابط شورای همکاری خلیج فارس ممکن است بر استراتژی‌های ایالات متحده برای مهار فعالیت‌های ایران در منطقه و همچنین حفظ نظم ژئوپلیتیکی در خاورمیانه تأثیر بگذارد. (U.S. Department of State, 2017)

همانطور که در بالا ذکر شد، پیام الجزیره، خروجی اصلی برای یهودستیزی است. برنامه‌های الجزیره، به‌ویژه در کانال‌های عربی آن، همچنان به دامن زدن به تئوری‌های توطئه یهودستیزانه ادامه

می‌دهند. به نظر می‌رسد یهودستیزی الجزیره الهام‌بخش یکی از بمب‌گذاران پل لندن، یوسف زغبه، در سال ۲۰۱۷ بوده است. به گفته روزنامه تایمز، مادر و خواهر او، الجزیره را منبع رادیکالیزه شدن او عنوان کردند. برای تأکید مجدد بر این نکته، ایوب کارا، وزیر ارتباطات سابق اسرائیل، الجزیره را شبکه‌ای خواند که، به دلیل پوشش تند و جنجالی آن از اسرائیل، از تروریسم و رادیکالیسم مذهبی حمایت می‌کند (Chulov, 2017).

الجزیره همچنین فتوایی در حمایت از بمب‌گذاری‌های انتحاری علیه اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها در عراق صادر کرده است. به دلیل نفوذ گسترده الجزیره در جهان عرب، الجزیره به طور گسترده مسئول افزایش بمب‌گذاری‌های انتحاری شناخته می‌شود. گزارش‌های الجزیره در مورد اسرائیل همواره فاحش بوده است. حتی در میان دیگر ناآرامی‌های فلسطینی در سال‌های اخیر، الجزیره همچنان مدافع سرسخت آرمان فلسطین بوده و به طور ضمنی حملات با چاقو و خودرو یا سایر اقدامات خشونت‌آمیز را تأیید کرده است.

قطر از حضور نظامی ایالات متحده به عنوان پوششی امنیتی برای تضعیف ایالات متحده و متحدانش استفاده می‌کند. قطر میزبان پایگاه عملیاتی پیشرفته فرماندهی مرکزی ایالات متحده، اسکادران ۳۷۹ اعزامی هوایی نیروی هوایی، ستاد عملیاتی پیشرفته فرماندهی مرکزی عملیات ویژه ایالات متحده (SOCCENT) و فرماندهی مرکزی نیروهای هوایی ایالات متحده (AFCENT) است. این پایگاه علاوه بر اینکه بزرگترین پایگاه ایالات متحده در منطقه است، به دو باند مجهز است که می‌تواند هر هواپیمایی را در فهرست ایالات متحده در خود جای دهد. از این نظر، این پایگاه برای ایالات متحده ارزش فوق‌العاده‌ای دارد و به عنوان پایگاه اصلی برای راه‌اندازی حملات علیه اهداف تروریستی در منطقه عمل کرده است. (Al Ansari, 2017)

قطر از این پایگاه به عنوان راهی برای پیوند دادن خود به منافع امنیتی ایالات متحده استفاده می‌کند. قطر در طول زمان در روابط بین‌الملل خود آموخته است که خود را با منافع قدرت‌های بزرگ همسو کند تا برای آنها ارزشمند باشد. این موضوعی تکراری در تاریخ قطر بوده است و هنوز هم یک ابزار سیاسی بسیار قدرتمند برای قطر است. این همچنین منطق پشت حضور نظامی ایالات متحده در قطر است.

قطر معتقد است تا زمانی که میزبان پایگاه هوایی ایالات متحده باشد، ارزش آن بر پیامدهای سیاست‌های متناقض که همسایگان و ایالات متحده را خشمگین می‌کند، غلبه خواهد کرد. بنابراین،

این پایگاه برای قطر در پیگیری سیاست‌های خارجی مستقل خود، که برای دستیابی به آن به دارایی‌های امنیتی قابل توجهی نیاز دارد، استراتژیک است. قطر از این پایگاه به عنوان پوششی برای محافظت از خود در برابر واکنش‌های احتمالی ناشی از سیاست‌های خارجی خود استفاده می‌کند. از این نظر، قطر قطعاً دارای طرز فکر استراتژیکی است که پایگاه نظامی ایالات متحده تضمینی برای حمایت ایالات متحده از آن به عنوان یک متحد ارزشمند است، صرف نظر از آنچه انجام می‌دهد و پیامدهای آن.

این محاسبه همچنین توضیح می‌دهد که چرا قطر فشار کم یا ناپیزی برای پیروی از موضع متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس احساس می‌کند. به عنوان مثال، در حالی که ایالات متحده و متحدانش در خلیج فارس هدف مشترکی برای کاهش نفوذ ایران در منطقه دارند، قطر گاهی اوقات حلقه ضعیف در تحقق این هدف بوده است. اگرچه این تا حدی به دلیل روابط اقتصادی آن با ایران است، با این وجود، قطر به دنبال بهره‌مندی از تضمین امنیتی ارائه شده توسط آمریکا است، در حالی که همچنان روابط دوستانه خود را با ایران حفظ می‌کند.

این به این معنا نیست که قطر به عنوان متحد ایالات متحده، موظف است همیشه موضعی تهاجمی در قبال ایران اتخاذ کند، با این حال، قطر اغلب تمایل خود را برای تضعیف ایالات متحده و متحدانش برای خشنود کردن ایران نشان داده است. به عنوان مثال، قطر تنها کشوری بود که علیه قطعنامه سازمان ملل که خواستار توقف غنی‌سازی هسته‌ای ایران بود، رأی داد، که باعث تعجب ایالات متحده و متحدانش در خلیج فارس شد. علاوه بر این، اخیراً وزیر امور خارجه قطر از نشست‌های شورای همکاری خلیج و سران عرب در مکه به دلیل سختگیری بیش از حد علیه ایران انتقاد کرد و اظهار داشت که سیاست واشنگتن در قبال ایران واقعیت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه را در نظر نمی‌گیرد. (Simeon, 2017).

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که سیاست خارجی قطر بر پایه الگویی چندلایه و پیچیده است که با استفاده از ابزارهایی همچون دیپلماسی فعال، رسانه‌محوری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، سیاست پوشش ریسک استراتژیک و تعامل با بازیگران متضاد، به دنبال افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. این راهبرد در بسیاری از موارد، همسو با منافع ایالات متحده نیست و در برخی زمینه‌ها، چالشی مستقیم برای اهداف واشنگتن محسوب می‌شود.

از یک سو، قطر از طریق همکاری‌های امنیتی، میزبانی پایگاه العدید و ایفای نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای، منبع ارزشمندی برای سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه به شمار می‌رود. اما از سوی دیگر، رویکرد دوگانه این کشور در قبال گروه‌های افراطی، تعامل با ایران، و بهره‌برداری تاکتیکی از رسانه‌های تحت کنترل دولت، به تقویت گفتمان‌ها و بازیگرانی منجر شده که با رویکرد امنیت‌محور و ضدتروریستی آمریکا در تعارض‌اند.

در مجموع، سیاست خارجی قطر را می‌توان نوعی "ابهام استراتژیک کنشگر کوچک" دانست که از محیط آنارشیک منطقه‌ای، بیشترین بهره را برای تقویت نفوذ خود می‌برد. این ویژگی، رابطه قطر-آمریکا را به حالتی از همکاری-رقابت مزمن کشانده است.

با توجه به تحول در موازنه قدرت در خاورمیانه، افزایش نفوذ چین و روسیه، و کاهش تعهدات نظامی آمریکا در منطقه، به نظر می‌رسد روابط دوحه-واشنگتن وارد مرحله‌ای جدید خواهد شد که در آن عملگرایی، انعطاف‌پذیری و منافع متقابل، بیش از تعهدات ایدئولوژیک یا سستی، تعیین‌کننده خواهند بود.

قطر، به‌عنوان کشوری با توانایی بالای سازگاری و بازی در زمین‌های مختلف ژئوپلیتیکی، تلاش خواهد کرد موقعیت خود را در نظم در حال تغییر خاورمیانه تثبیت کند. از سوی دیگر، آمریکا نیز در سیاست خارجی جدید خود، بیش از گذشته به نقش میانجی‌گرایانه قطر برای مهار بحران‌ها توجه خواهد کرد، به‌ویژه در پرونده‌هایی مانند ایران، افغانستان، فلسطین و لبنان.

در چنین بستری، حفظ تعادل میان اعتماد و بازدارندگی، اصلی‌ترین چالش سیاست‌گذاران آمریکایی در رابطه با قطر خواهد بود.

- Al Ansari, S. (2017, October 9). The case for moving Al-Udeid airbase from Qatar. *The Hill*. <https://thehill.com/opinion/international/354555-the-case-for-moving-al-udeid-airbase-from-Qatar>
- Alfadhel, K. A. (2017, June 21). How Qatar threatens peace. *The Washington Times*. <https://www.washingtontimes.com/news/2017/jun/21/qatar-threatens-middle-east-peace/>
- Al-Haj, S. (2017, June 18). Analysis: The implications of the Qatar-Turkey alliance. *Al Jazeera*. <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2017/06/implications-Qatar-turkey-alliance-170618110726262.html>
- Al-Jazeera. (2017, June 13). Turkey: Qatar military base for the security of Gulf. <https://www.aljazeera.com/news/2017/06/turkey-qatar-military-base-security-gulf-170610150500657.html>
- Anthony, A. (2014, December 13). Sheikha Mozah: The (un)acceptable face of Qatar's global expansion. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/theobserver/2014/dec/14/sheikha-mozah-acceptable-face-qatar-global-expansion>
- Barakat, S. (2016, November 12). Qatari mediation between ambition and achievement. *Brookings Doha Center*. <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/06/Final-PDF-English.pdf>
- BBC News. (2017, June 15). Qatar buys F-15 fighter planes in billion dollar U.S. deal. <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-40287570>
- Berman, I. (2018). *Digital dictators: Media, authoritarianism, and America's new challenge*. Rowman & Littlefield.
- Blanchard, C. M. (2014, November 4). Qatar: Background and U.S. relations. Congressional Research Service. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL31718.pdf>
- Bureau of Political Military Affairs, U.S. Department of State. (n.d.). U.S. security cooperation with Qatar. <https://www.state.gov/t/pm/rls/fs/2017/266860.htm>
- Carlstrom, G. (2017, June 24). What's the problem with Al Jazeera? *The Atlantic*. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/06/al-jazeera-Qatar-saudi-arabia-muslim-brotherhood/531471/>
- Cockburn, P. (1995, June 28). Emir of Qatar deposed by his son. Palace coup: Sheikh, overthrown in bloodless takeover while on visit to Geneva, vows to return. *Independent*. <https://www.independent.co.uk/news/world/emir-of-Qatar-deposed-by-his-son-1588698.html>
- Cornwell, A. (2017, September 13). Qatar sovereign fund says most of future U.S. investments in infrastructure. *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/us-gulf-qatar-qia/qatar-sovereign-fund-says-most-of-future-u-s-investments-in-infrastructure-idUSKCN1BO1BL>

- Dorsey, J. M. (2017). *Shifting sands: Essays on sports and politics in the Middle East and North Africa*. World Scientific. https://books.google.com/books/about/Shifting_Sands_Essays_On_Sports_And_Poli.html?id=KUVBDwAAQBAJ
- Ettelbrick, A. (2018, July 24). Qatar begins expansion of Al Udeid, air base the U.S. uses to fight ISIL. *American Security Project*. <https://www.americansecurityproject.org/qatar-expands-airbase/>
- Fromherz, A. J. (2012). *Qatar: Rise to power and influence*. IB Tauris.
- Greggson, J. (2017, February 13). The world's richest and poorest countries. *Global Finance*. <https://www.gfmag.com/global-data/economic-data/worlds-richest-and-poorest-countries>
- Haqqani, H. (2013). Islamists and democracy: Cautions from Pakistan. *Journal of Democracy*, 24(2). <https://www.journalofdemocracy.org/sites/default/files/Haqqani-24-2.pdf>
- Harris, G. (2018, February 9). In charm offensive, Qatar pushes for a comeback in Washington. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2018/02/09/us/politics/trump-qatar-lobbying-embargo.html>
- Kamrava, M. (2013). *Qatar: Small state, big politics*. Cornell University Press.
- Katzman, K. (2017, March 1). *Qatar: Governance, security, and U.S. policy*. Congressional Research Service. <https://fas.org/spp/crs/mideast/R44533.pdf>
- Keatinge, T. (2017, June 13). Why Qatar is the focus of terrorist claims. *BBC News*. <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-40246734>
- Kirkpatrick, D. D. (2011, February 18). After long exile, Sunni cleric takes role in Egypt. *The New York Times*. https://www.nytimes.com/2011/02/19/world/middleeast/19egypt.html?mt_rref=www.google.com
- London, B. (2017, June 6). Qatar hosts U.S.'s largest military base in the Middle East. *CNN*. <https://edition.cnn.com/2017/06/05/middleeast/qatar-us-largest-base-in-mideast/index.html>
- Looney, R. (2014, May 22). *Handbook of U.S.-Middle East relations*. Routledge. https://books.google.com/books/about/Handbook_of_US_Middle_East_Relations.html?id=yFqhAwAAQBAJ
- Martin, C. (2017, August 6). Israeli government moves to impose ban on Al-Jazeera news network. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/world/2017/aug/06/israeli-government-impose-ban-al-jazeera-news-network>
- Mekay, E. (2011, March 2). Too late, Qaddafi seeks the aid of Muslim clerics. *The New York Times*.

- <https://www.nytimes.com/2011/03/03/world/africa/03iht-M03-FATWA.html>
- Moukalled, D. (2015, June 2). Embellishing Al-Nusra Front's image. *Al Arabiya*. <https://english.alarabiya.net/en/views/news/middle-east/2015/06/02/Embellishing-Al-Nusra-Front-s-image.html>
- Palmer, J. (2018, November 18). Major sporting events in Qatar. *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/ussportqatar/major-sporting-events-in-qatar-idUSKCN0J21JB20141118>
- Perry, T., & Al Khaledi, S. (2017, June 14). Gulf crisis seen widening split in Syria rebellion. *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/U.S.-gulf-Qatar-syria/gulf-crisis-seen-widening-split-in-syria-rebellion-idUSKBN195170>
- Roberts, D. (2014). Qatar and the Muslim Brotherhood: Pragmatism or preference? *Middle East Policy Council*, 21(3). <https://www.mepc.org/qatar-and-muslim-brotherhood-pragmatism-or-preference>
- Ross, D. (2017, May 5). Qatar needs to stop funding Islamists. *USA Today*. <https://www.usatoday.com/story/opinion/2017/05/08/Qatar-funding-islamism-muslim-brotherhood-hamascolumn/101300766>
- Safi, M. (2019, May 24). Al Jazeera writes another chapter in its own ugly history. *National Review*. <https://www.nationalreview.com/2019/05/al-jazeera-anti-semitic-video-controversy-radical-agenda/>
- Schanzer, J. (2015, April 20). Time for the U.S. to stop Qatar's support for terror. *New York Post*. <https://nypost.com/2017/04/20/time-for-the-u-s-to-stop-qatars-support-for-terror/>
- Schanzer, J. (2017, August 6). Qatar's support of the worst of the worst in Libya must end. *Newsweek*. <https://www.newsweek.com/Qatar-support-worst-worst-libya-must-end-646280>
- Sergie, M. (2017, January 11). The tiny Gulf country with a \$335 billion global empire. *Bloomberg Business*. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2017-01-11/Qatar-sovereign-wealth-fund-s-335-global-empire>
- Shapiro, J. (2013, August 28). The Qatar problem. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2013/08/28/the-qatarproblem/>
- Simeon, K. (2017, June 3). Qatar expresses doubts over Gulf states' hawkish approach to Iran. *Financial Times*. <https://www.ft.com/content/66744ee6-861a-11e9-97ea-05ac2431f453>
- Talbot, V. (Ed.). (2016). *The rising Gulf: The new ambitions of the Gulf monarchies*. Edizioni Epoké.
- Telhami, S. (2013, June 15). Al Jazeera: The most feared network. *Brookings Institution*. <https://www.brookings.edu/articles/al-jazeera-the-most-feared-news-network/>

- The Economist. (2017, July 1). Why Al Jazeera is under threat. *The Economist*.
<https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2017/07/01/why-al-jazeera-is-under-threat>
- Trager, E. (2017, July 2). The Muslim Brotherhood is the root of the Qatar crisis. *The Atlantic*.
<https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/07/muslim-brotherhood-qatar/532380/>
- U.S. Department of State. (2017). *Country reports on terrorism 2017*.
<https://www.state.gov/reports/country-reports-on-terrorism-2017/>
- U.S. State Department Bureau of Economic and Business Affairs. (2017). *Qatar*. U.S. Department of State, Investment Climate Statements.
<https://www.state.gov/e/eb/rls/othr/ics/2017/nea/269996.htm>
- Ulrichsen, K. C. (2014). *Qatar and the Arab Spring*. Oxford University Press.
- Wegner, E. (2017, April 27). The Islamist voter base during the Arab Spring: More ideology than protest? *Project on the Middle East Political Science*.
<https://pomeps.org/2017/04/27/the-islamist-voter-base-during-the-arab-spring-more-ideology-than-protest>
- Weinberg, D. (2015, November 17). Terrorist financing: Kidnapping, antiquities trafficking, and private donations. *Hearing before the House Committee on Foreign Affairs Subcommittee on Terrorism, Nonproliferation, and Trade*.
<https://docs.house.gov/meetings/FA/FA18/20151117/104202/HHRG-114-FA18-Wstate-WeinbergD-20151117.pdf>
- Why Al Jazeera is under threat. (2017, July 1). *The Economist*.
<https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2017/07/01/why-al-jazeera-is-under-threat>
- Worth, R. F. (2008, July 9). Qatar, playing all sides, is a nonstop mediator. *The New York Times*.
<https://www.nytimes.com/2008/07/09/world/middleeast/09qatar.html>